

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

۳۰.۱۰.۲۰۱۰

## کمک های مالی رژیم آخوندی به کرزی

چند روز است که موضوع اخذ پول از رژیم آخوندی ایران توسط آقای کرزی خبر داغ رسانه های داخلی و خارجی شده است. روزی نیست که خبری در سایت، رادیو، تلویزیون، روزنامه یا مجله ای درج و نشر نشود یا در یکی از این نشریات در این مورد گفت و گو نکنند و یا میزگردی تشکیل نشود.

برخی از محافل و اشخاص، به ویژه ما افغانان، از شنیدن این خبر چنان شگفت زده شده ایم که گوئی خبر پایان عمر زمین را در همین زودی ها، شنیده باشیم.

آیا واقعاً این خبر، با همه فسادى که در طی این سی و اند سالی دامن رده های بالائی به اصطلاح مجاهدین را گرفته است و باتوجه به این که کرزی تافته ای جدا بافته ای نیست و او نیز به همین گروه های ملوث و مزدور تعلق دارد و ذات وی هیچ تفاوتی با ذات و جماعت ربانی ها و سیاف ها و محقق ها ندارد و همه این ها به لطف و عنایت خدای بزرگ دارای ویژگیهائی مشترک و مشابه ناسوتی و لاهوتی هستند و همه در یک راه روانند و از یک منبع و مرجع الهام می گیرند، می تواند ما را چنان بشوراند و متلاطم کند؟!

مردمان واقع بین، با انصاف و آزاده، افغانانی را که به نام مجاهد در برابر نیرو های مهاجم روسی و دولت دست نشانده این کشور جنگیدند، به دو دسته تقسیم می کنند. یکی: اکثریت مردم پاک سرشت، شریف، آزادی خواه و باوجدانی که پاکبازانه در برابر مهاجمین به خاطر حفظ عزت، حرمت، آزادی، استقلال، نام و کشور خود مردانه قد راست کردند و با از خود گذشتگی همه دار و ندار شان را فداء کردند، به شمول آنائیکه خود را نیروی مقاومت می نامند، و دیگری: آنانی که جهاد برای شان گاوی بود شیری، چاق و پرورده شده.

برای این دسته که کرزی و سایر خود فروشانی مانند کرزی را محتوا می کند، نه وطن مسأله اساسی و اصلی بود و نه مردم و استقلال و آزادی و عزت و حرمت و نام.

این دسته و گروه، برای پول به ننگین ترین کارها دست زدند و به شرم آورترین معاملات با بیگانه هائیکه خود منفورترین افراد در جوامع خود هستند، تن دادند.

کرزی هم از همین دسته مردم است! مگر فراموش نموده ایم که سیاف در یکی از صحبت هایش از پشت مکروفون پارلمان با صدای رسا گفت:

"کرزی خود یک مجاهد است!" تنها وقت و تنها جائیکه سیاف در عمرش دروغ نگفت همین جا و همین وقت بود! خود کرزی نیز بارها حمایت، رضایت و عنایتش را نسبت به اینگونه افراد ابراز داشته و روزی نیست که با مجددی، پدر معنوی خویش، روبرو شود و "دولا" نشود و دست وی را نبوسد!

از کارنامه های مجددی ها در طول تاریخ این کشوری بی اطلاع است؟ تاریخ زد و بند های خاینانه، چاکرمنشانه و ضد ملی این خانواده را با انگلیس چگونه افغانان می توانند فراموش کنند؟!

حکومت فعلی افغانستان یک حکومت گروهی است؛ حکومت خاینین و دزدان! در علم جامعه شناسی گروه به مجموعه افرادی گفته می شود که با هم داد و ستد متقابل داشته باشند. از نظر جامعه شناسان گروه های خودی یکی از انواع مختلف گروه هاست که مشخصه برجسته آن همکاری و اعتماد متقابل همه افراد گروه باهم و نسبت به هم می باشد.

این گروه با اراده و تصمیم قبلی و براساس برنامه های کاری مشخص و معین به وجود می آید و تمام اعضای گروه تحت هرگونه شرایطی متعهد به حفظ منافع و تداوم حیات گروه هستند.

رقابت های درون گروه امری است طبیعی. ولی این رقابت های میان گروهی هیچگاه به حدی نمی رسد که حیات گروه و حیات و منفعت اعضای گروه را به خطر بیندازد. فساد و قانون شکنی و زورگویی زورمندان جنایت کار و خیانت پیشه حاصل همین حمایت گروهی این دزدان سرگردنه است.

اگر کرزی فاسد و ملوث نباشد، افرادی پائین رتبه تر از وی از وزیر تا کاتب - کسانی که فاسد اند و ملوث - چگونه دست به فساد می زنند و دارائی عامه و سرمایه های ملی را به تاراج میبرند؟ اگر کرزی فاسد و آلوده و خاین به خاک و ملت نباشد، چگونه یک مشت خاین و وطن فروش درپست های حساس و مهم دولتی تقرر حاصل می کنند و خون مردم را می نوشند؟! اگر کرزی شریک دزدی و کشتار دزدان و آدمکشان مردارخوار نباشد، چگونه این دزدان و آدمکشان مردارخوار چنین آزادانه و بدون اینکه به جزای اعمال شان برسند به این همه دزدی و قتل و خیانت کماکان دست میزنند و باز هم سررشته امور کشور را به دست دارند و سرنوشت مردم را تعیین می کنند؟

واقعیت امر این است که انتخاب چنین افرادی دزد و فاسد و قلدر در پست های مهم و اساسی برای آن است تا همه باهم بتوانند تمایلات و خواسته های خویش و اهداف و تمنیات بادران خارجی شان را برآورده و ارضاء کنند.

اینکه کرزی از ایران پول میگیرد، یا از امریکا و ... و آن دیگرش از روسیه و هند و پاکستان و چین و ... تعجب آور نیست! شگفتی در این است که ما چطور به عنوان یک ملت از دیدن این معاملات رذیلانه و خاینانه عاجز هستیم و این گروه خاین به مردم و کشور را طی سه دهه، که کم وقت نیست، نشناخته ایم! شگفتی در این است که همواره در برابر اینگونه رویدادها چند روزی غوغا و اوویلا می کنیم و با بروز یک خبر فرمایشی جعلی یا یک خبر واقعی دیگر آن را به دست فراموشی میسپاریم، چنانکه گویی هیچ اتفاقی رخ نداده بود. تعجب در این است که مردم، که در هرکشور اصلی ترین نیروها و نیرومندترین قدرتها است، آنگونه که باید و شاید در برابر این افراد و این گونه رویداد های ضد ملی واکنش نشان نمی دهند.

وقتی کرزی با گردن و صدای بلند می گوید بلی ما از ایران پول دریافت نموده ایم، معنی آن این است که مردم اراده، قدرت و توانائی انجام کاری را در برابر من ندارند و من از مردم ترسی ندارم! از اینگونه حرف زدن کرزی چنین فهمیده میشود که کرزی اصلاً سر مردم حساب هم نمی کند!

من در این مورد به کرزی حق میدهم! زیرا، اگر پوسیدگی درخت نباشد، توفان هر قدر قوی و تند هم باشد نمی تواند درخت را چپه کند.

و اما چرا رژیم آخوندی ایران ملیون ها دالر پول مردم را نثار کرزی و امثال کرزی می کند؟ مختصر عرض شود که رژیم آخوندی از جمله رژیم های است در منطقه، که می خواهد خلائی را که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی در منطقه به وجود آمده، پر کند. (اینکه ایران این توانائی را دارد که این خلائی قدرت را که هنوز هم وجود دارد پر کند یا نه، بحثی دیگری است که در این مقال جای آن نیست.)

کارشناسان رژیم آخوندی، از جمله محسن رضائی، به این نظر هستند که بعد از فروپاشی شوروی چند منطقه با خلاء قدرت روبرو شده است؛ به تعبیر دیگر پس از سقوط شوروی چندین کشور در چندین حوزه در این منطقه بی صاحب شده است.

این مناطق که عبارت هستند از:

- آسیای مرکزی؛

- شرق میانه؛

- و قفقاز، به چند زیر سیستم یا حوزه زیر تقسیم میگرد:

۱- کشورهای آسیای مرکزی.

۲- کشورهای حوزه خلیج فارس.

۳- کشورهای افغانستان و پاکستان.

۴- کشورهای قفقاز. و،

۵- کشورهای اردن و لبنان و فلسطین و ترکیه و سوریه.

کارشناسان مذکور معتقد اند که زمانی که امریکا میدان را بدون رقیب و شغالی دید، بدون داشتن یک برنامه و تئوری منطقی خواست به طور بسیار شتاب زده مناطق فوق را مصادره کند.

اروپای شرقی زیر چتر و پوشش اتحادیه اروپا قرار گرفت. ولی مناطق دیگر، بر حسب دکتورین کارشناسان سیاسی یا سیاست سازان امریکا، باید زیر چتر و پوشش این کشور قرار می گرفت.

از نظر آخوندها حمله به افغانستان سرآغاز و شروع طرح اشغال منطقه بود که با حمله امریکا به عراق تداوم یافت. سوریه و ایران هدفهای بعدی امریکا بود.

ولی از آنجائیکه بلعیدن لقمه های عراق و افغانستان برای دهان امریکا بزرگتر از آن بود که امریکا تصور آن را میکرد، این کشور در نیم راه ماند و تصمیم حمله به ایران و سوریه عملی نشد.

به هر حال قصد امریکا آن بود که با حضور پررنگ و مستقیم در منطقه خلاء قدرت در منطقه را پر کند.

رژیم آخوندی مخالف این هدف ستراتیژیک امریکا بود و است؛ نه برای آن که خواهان استقلال سیاسی - اقتصادی ملت های این منطقه باشد، بلکه صرف به این دلیل که می خواهد امریکا از این منطقه خارج شود تا خود جای امریکا را بگیرد. (باز هم تکرار می کنم که بررسی این سؤال را، که این تصور اعجاب برانگیز و غیرعقلانه به چه اندازه جنبه عملی دارد، غیر ضروری می دانم).

برنامه ایران برای شروع کار (برای دست یافتن به اهداف بعدی خود ایران باید در قدم اول به همین بهانه این کشور ها را در یک تشکل یا به دوریک محور متمرکز کند) این است که خلاء قدرت در این منطقه باید از طریق کشورهای منطقه یا از طریق منطقه گرائی حل شود و کشورهایمانند ایران، ترکیه، عربستان و پاکستان، همراه با سایر کشورهای منطقه، خود امنیت و صلح منطقه را تضمین و تأمین کنند و پروسه توسعه و پیشرفت کشورهایشان را خود پی بگیرند؛ و دارای پول واحد، شورای امنیت و سازمان های اقتصادی و تجاری منطقه ئی باشند؛ چیزی شبیه اتحادیه اروپا!

آخوندها برای مقدمه کار و شامل ساختن خود در روند سیاسی کشورهای منطقه که غالباً سنی مذهب و نزدیک با عربستان و امریکا هستند و اعتمادی چندان به آخوندها ندارند، این طرح را عملی ترین طرح برای دور ساختن امریکا از منطقه می دانند.

ترکیه، ایران و پاکستان در میان کشورهای منطقه یاد شده از جمله کشورهایمانند هستند که توانائی های مالی - اقتصادی - نظامی - صنعتی روی هم رفته بهتر و بیشتری دارند، و اگر چنین وضعیتی به وجود آید، بدون شک این کشورها به عنوان کشورهای بزرگتر یا مستعد تر، از آن سود لازم را خواهند برد. بناءً این کشورها شدیداً تمایل به این دارند که امریکا هرچه زودتر این منطقه را ترک گفته - یا مجبور به ترک آن شود - تا اینها بتوانند این منطقه را برای خود داشته باشند.

شاید کشور ترکیه با روابطی که با غرب، به خصوص امریکا دارد، بلند پروازی های پاکستان و ایران را نداشته باشد، ولی ایران و پاکستان، ایران بیشتر و جدی تر، در همه حال و تحت هر شرایطی تلاش دارند که به این هدف دست یابند.

برای تحقق این هدف آخوندها از گزینه های مختلف از جمله اهرم های مذهبی، زبان و فرهنگ، احداث شبکه های تلویزیونی و پرداخت پول های سیاه و سپید استفاده می کند.

کشورهای سوریه و عراق و لبنان و فلسطین به دلیل نیاز این کشورها به حمایت مالی - نظامی - اقتصادی - سیاسی ایران از این کشورها در برابر رژیم اشغال گر اسرائیل، بدون این که این کشورها تعهد مخالف منافع کشورهایشان به ایران بپردازند از کشور ایران کمک دریافت میکنند. اما دست دراز ایران در کشورها، متأسفانه تا اتاق خواب برخی از افراد در کشور ما رسیده است.

کلام را مختصر میکنم: آخوندها، با همه حرف ها و سخن ها، با همه بدی هائی که در اعمال نامه این ها مینویسند یا نوشته شده است، با همه توحش و استبداد و و ستم سالارئی که دارند، در یک نقطه - تنها در یک زمینه - هزار بار نسبت به کرسی ها شرف دارند. و این نقطه آن است که اینها نه ملک خود را در معرض لیلام قرار داده اند و نه مانند کرسی ها سگ استخوان خور دروازه دیگران اند.

شاعری می گوید:

اگر این مکتب باشد و این معلم

حال طفلان خراب می بینم

برخی هم میگویند:

اگر این مکتب باشد و این ملا

حال طفلان خراب می بینم

ولی من می گویم:

اگر این ملک باشد و این کرزی ها  
حال این ملک و این مردم خراب میبینم